

اطلاعیه پایانی برگزاری پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی حزب حکمتیست

قرارهای مصوب پلنوم ۴۱ حزب

مسائل مبرم مبارزات کارگری ایران و

خطوط تاکتیکی حزب در دوره پیش رو

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

نه به فقر، فلاکت و بیکاری

حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود!

'پیام نوین' و شعار دزدی!

ارتجاع "صدای انقلاب مردم" را شنیده است!

صفحه ۱۰

آذر ماجدی

کارت سوخته یک بازنده سیاسی

صفحه ۱۲

سیوان کریمی

یک پیروزی برای کارگران هفت تپه

خلع ید اسدیگی

'پیمان نوین' رضا پهلوی

سعید یگانه

پیمان کهنه با زرورق نوین

وریا روشنفکر

تحرک ارتجاع اسلامی و قومپرستان

بر متن یک کشمکی ارتجاعی در قفقاز!

صفحه ۱۶

کریم نوری

۵۶۳

مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۱ مهر ۱۳۹۹ - ۱۲ اکتبر ۲۰۲۰

کارگران هفت تپه

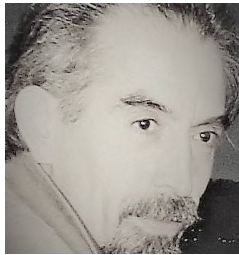
مصافهای جدید

دور جدید مبارزات کارگران هفت تپه، دستکم از سال ۹۷ تاکنون، جدا از پیگیری مطالبات برحق کارگران روی محور نفی خصوصی سازی بوده است. بازگشت مالکیت شرکت به دولت با نظارت کامل شورای مستقل و منتخب کارگران بر امور، از اعتصابات سال ۹۷ مطرح بوده است. اما در اعتصاب نود و چند روزه اخیر گامهای جدی به سمت آن برداشته شد و به پیروزی شیرینی دست یافتند که فصل جدیدی را در مبارزات کارگران هفت تپه آغاز می کند.

در این سالها افت و خیزهای زیادی تجربه شده است. از سرکوب اعتصاب ۹۷ و به بند کشیدن رهبران کارگری و سناریو سازی تا فشار مستمر به فعالین کارگران و نظامی و امنیتی کردن محیط مجتمع، از استنفاده ابزاری کارفرما از اعتصاب تا تحریکات عقب مانده با هدف به جان هم انداختن کارگران و اعتصاب شکنی، از دستگیری و ربودن و تهدید به مرگ تا تیراندازی و حمله با سلاح گرم و سرد به فعالین و نمایندگان کارگران، میدان مینی بوده است که کارگران در آن قدم برداشته اند.

کارگران موفق شدند با اعتصاب و همدلی همکارانشان را از زندان آزاد کنند و مبارزه برای بازگشت به کار آنها را  
صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



به حمایت دولت روحانی و بهانه پرداختن حقوق کارگران عمدتاً آزاد بوده است. اخیراً منابع خبری کارگران هفت تپه از بازداشت مجدد وی سخن گفتند. و بالاخره جلسه نهم بررسی مشکلات هفت تپه در کمیسیون اصل نود مجلس، روز چهارشنبه نهم مهرماه رای به خلع ید از اسدبیگی و فسخ قرارداد این مجتمع با بخش خصوصی و جایگزینی یک کارفرمای دیگر حداکثر

طی یکماه و نیم آینده داد. این یک پیروزی شیرین برای کارگران هفت تپه است که طی یک مبارزه و افشاگری های بموقع از فساد اقتصادی و اختلاس و نابودی شرکت، موجب شدند که پای وی به دادگاه کشیده شود، محاکمه شود و نهایتاً خلع ید شود. با خلع ید از اسدبیگی لیستی از مدیران وی که بالغ بر پنجاه نفر میشود نیز امروز پنجشنبه دهم مهرماه اخراج شدند. اخراج این مدیران بازتنه و همدست اسدبیگی یکی دیگر از خواستهای اعتصاب بود. این مدیران در ماههای اخیر بیشترین تنش را با کارگران داشتند و سیاستهای کارفرمایان برای تغییر کاربری شرکت، خروج اموال و فروش آنها، اجاره زمینها به آشنایان برای مصارف دیگر و تقابل با اعتصاب و فعالین کارگری را پیش بردند. عمارت اسدبیگی علیرغم حمایتهای بی دریغ مقامات استان از دادستان و پلیس و استاندار تا حمایت جهانیگری و دولت روحانی و سازمان خصوصی سازی فرو ریخت.

### فصل جدید مبارزات هفت تپه

کارگران هفت تپه یکدوره مبارزه پرشور را با تمام مشکلات و محدودیتها پشت سر گذاشته اند و میتوانند با نگاه به هر لحظه این مبارزه و کل راهی که آمده اند، نتایج و نقاط قوت و ضعف آنها جمع بندی کنند. جمع بندی ای که باید در خدمت وحدت بیشتر کارگران در دوره آتی و عبور از یک سری مشکلات تاکنونی باشد. تردیدی وجود ندارد که امروز کارگران هفت تپه بحق احساس پیروزی و موفقیت می کنند و به قدرت اتحاد خود بیشتر باور دارند. کارگران هفت تپه اینبار در جبهه های مختلفی جنگیدند و قدم بقدم جلو آمدند و از هر مانعی پریدند. تصویر بیرونی از این مبارزه یک نوع پختگی و تجربه را منعکس میکند که بر مشکلات اعتصاب و کمبودها در نگاه اول غلبه می کند. این هشیاری و پختگی و تجربه را باید قدر دانست، این محصول خرد جمعی و تلاش فعالین دلسوزی است که امرشان آسایش و رفاه کارگر هفت تپه و تضمین آینده آنها و هزاران خانواده کارگری است.

خلع ید از اسد بیگی و بیرون کردن وی و تیمش را از کارخانه باید جشن بگیرد و آنرا بعنوان تاج سیاست "کارگر هفت تپه اتحاد اتحاد" بر سر بگذارد. ممکن است گفته شود که اتفاقی نیافتاده است؛ کارفرمائی رفته و یکی دیگر می آید و تازه مجلس و نهادها خلع ید کرده اند، این که مهم نیست! جواب من اینست که چنین نظری باوری به قدرت کارگران و مبارزه آنها ندارد. خب روشن است که دولت باید دستمزد بدهد، اضافه کند، بیمه بدهد، قطع کند، دادگاه و مجلس و نهادهای بورژوازی باید مصوبه صادر کنند، قدرت که در دست کارگران نیست تا شوراهایشان رای صادر کنند. اما این رای مجلس ارتجاع صائقه در آسمان بی ابر نیست، این محصول فشار مبارزه و اعتصاب و کوتاه

صفحه ۳

## کارگران هفت تپه، مصافهای جدید ...

شروع کردند. در دوره بعد از سرکوب اعتصاب، کارفرما تلاش کرد شورای اسلامی را بعنوان چماق دست خود احیا و نمایندگان کارگران را به حاشیه براند. خیلی سریع کارگران حکم انحلال شورای اسلامی را با آرای بالا اعلام و مجدداً حضور نمایندگانشان را در کشمکش برسر مسائل هفت تپه بعنوان یک طرف حساب اصلی به کرسی نشاندند. کارگران در ایندوره خواهان احیای مجمع نمایندگان شدند و برای آن تلاش میکنند. شعار "کارگر هفت تپه اتحاد اتحاد" به راهنمای راه تبدیل شد و مجمع عمومی و سکو و سنگر یک تضمین مهم اتحاد کارگران و متحد نگاهداشتن آنان شد. کارگران برای تقابل با اختلاف در تاکتیک و روش و مسائل مربوط به اعتصاب و برای تقابل با اعتصاب شکنی و تفرقه، به "خرد جمعی" و "هرچه کارگران بگویند" متکی شدند، تصمیم گرفتند و تصمیم شان را اجرا کردند. هفت تپه بسهم خود یک منبع آموزش و یک تجربه مجمع عمومی با رهبران و فعالینی است که هر روز جلو صحنه می آیند.

در عین حال در ایندوره لایه ها و گرایشهایی که با منافع کارگران بیگانه اند و یا به سیاست کارفرما سرویس می دهند، علیرغم جست و خیزهایی، حاشیه ای و برای توده کارگران افشا شدند. هشیاری کارگران و واکنش سریع شان به مسائل در همه سطوح از اظهارات مقامات دولتی و حکومتی تا تبلیغات و تحریکات کارفرما و وارونه گوئی رسانه ها، به یک حرکت وسیعتر شکل داد که تجربه مهمی برای دیگر بخشهای طبقه کارگر است. اعتصاب هفت تپه در درون کارخانه محبوس نبود، در فضای سیاست ایران در گشت و گذار بود و از حکومتی ها تا جامعه را به خود جلب کرده بود. این از مهمترین نقاط قدرت این اعتصاب بود.

### دستاوردها

بطور مشخص بخش مهمی از خواستهای اعتصاب متحقق شدند. اعتصاب از آغاز با سه ماه حقوق معوق روبرو بود. فشار اعتصاب ناچارشان کرد که حقوق ها را ابتدا کم کم اما بالاخره بپردازند. با پرداخت حقوق ماههای فروردین و اردیبهشت و خرداد در حین اعتصاب، همین امروز کارگران سه ماه حقوق و مزایای معوق طلب دارند که آخرین جلسه مجلس با مصوبه ای استاندار خوزستان را موظف به پرداخت سریع دو ماه تیر و مرداد در روزهای آتی و حداکثر تا ۱۵ مهر ماه کرده است. یک مطالبه دیگر این اعتصاب تمدید دفترچه های بیمه بود که بنا به گزارش جلسه مجلس تا آخر سال تمدید شده اند. یک مطالبه دیگر کارگران بازگشت همکاران اخراجی به کار از جمله؛ اسماعیل بخشی و محمد خنیفر و سالار بیژنی و ایمان اخضری است. جلسه قبلیتر مجلس این مطالبه را قبول کرده اما آنرا منوط به این کرده که مورد امنیتی نداشته باشند. این خواست کارگران را تاکنون با بهانه های مختلف عقب انداخته اند در صورتی که مثلاً محمد خنیفر بعنوان یکی نمایندگان کارگران در جلسات شرکت می کند. یک خواست دیگر بازداشت و محاکمه اسدبیگی بجرم اختلاس و خلع ید از وی بوده است. هنوز نتیجه دادگاه اسدبیگی معلوم نشده است اما وی بنا

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## کارگران هفت تپه، مصافهای جدید ...

نیامدن کارگران و تحمیل آن به دولت و قانون و مجلس بورژوازی است. کارگران مصمم بودند اگر کار به این روال ادامه پیدا کند، هفت تپه تعطیل و هزاران خانواده نابود می شوند. تصمیم گرفتند راهی دیگر بروند و از آینده شان دفاع کنند و بالاخره توانستند پای همه را وسط بکشند و پرونده را به مشغله بالای حکومت بدل کنند و توانستند حرفشان را پیش ببرند. قانون نانوشته همین است؛ تناسب قوای واقعی، اگر کارگر زور داشته باشد هر چیزی قابل تغییر است.

### آینده چه میشود؟

امروز در مرحله حساسی قرار گرفته ایم. بعد از خلع ید فصل جدید مبارزات کارگری در سطح دیگری آغاز می شود. اسدبیگی تمام شد، سرنوشت مالکیت شرکت چه میشود؟ احتمال تحمیل اسدبیگی دیگری اینبار مجهز به "اهلیت داشتن" و یا اشکال بینابینی و نیمه دولتی و نیمه خصوصی، یا واگذاری به تامین اجتماعی و نهادهای وابسته به سپاه، همه میتوانند در روزها و هفته های آتی بطور جدی مطرح شوند. کارگران هفت تپه بسیار روشن اعلام کرده اند که مالک جدیدی از بخش خصوصی با هر عنوانی را نمی پذیرند. کارگران خواهان خلع ید از بخش خصوصی در هفت تپه هستند. راهی که پیشنهاد میکنند بازگشت مالکیت به دولت و اعمال نظارت کامل توسط شورای مستقل کارگران بر امور است. روشن است دیگر نمی توان کارگر هفت تپه را به موقعیت سالهای گذشته راند و هر راه حلی باید جایگاه کارگران و نحوه دخالت آنها را جواب دهد. برسمیت شناسی تشکل کارگران و نمایندگان منتخب شان و اعمال نظارت کارگران بر امور، در هر حال وجه مهم و ستون فقرات وحدت کارگران است. کارگران از این مبارزه با دستاوردهای متعددی بیرون آمدند، یک دستاورد اساسی باید تحکیم سازمان و سنت مبارزاتی شورائی کارگران باشد. بدون این هر دستاوردی میتواند پس گرفته شود. یکبار دیگر این پیروزی را به کارگران هفت تپه و فعالین دلسوزشان تبریک میگوییم. نوبت گرفتن سنگرهای بعدی است. درود بر رزم و اتحادتان!

سردبیر.

۱ اکتبر ۲۰۲۰

### اعلامیه حزب حکمتیست

## یک پیروزی برای کارگران هفت تپه

### خلع ید اسدبیگی

کارگران هفت تپه بعد از یکدوره مبارزه و اعتصاب سه ماهه اخیر، نهایتاً موفق شدند که کارفرمای هفت تپه را از شرکت بیرون بیاورند. اسدبیگی ها علیرغم حمایت گسترده نهادهای دولتی و حکومتی، در مقابل مبارزات متحدانه کارگران هفت تپه شکست خوردند. این کارگران هفت تپه بودند که فساد و اختلاس اسدبیگی ها را افشا کردند، این کارگران هفت تپه بودند که بیوقفه علیه عملکرد کارفرمایان استثمارگر تلاش کردند، این کارگران هفت تپه بودند که علیه بیکارسازی وسیع و سقوط مجتمع هفت تپه ایستادند، و بالاخره این کارگران هفت تپه بودند که توانستند کارفرمایان را پائین بکشند. کارگر متحد همیشه دستاورد دارد. اتحاد کارگران هفت تپه در این مبارزه مشخص نیز به نقطه پیروزی رسید. همانها که روزی قباله و قرارداد هفت تپه را به دست اسدبیگی ها دادند، امروز ناچارند زیر فشار اعتراض کارگران آنرا پس بگیرند.

جلسه امروز چهارشنبه نهم مهرماه در کمیسیون اصل نود مجلس که با حضور تعدادی از نمایندگان کارگران هفت تپه برگزار شد، رای بر خلع ید از کارفرمای هفت تپه و فسخ قرارداد شرکت هفت تپه با بخش خصوصی و جایگزینی مدیریت جدید حداکثر تا یکماه و نیم دیگر داد. کارگران سه ماه حقوق معوق دارند و کارخانه برای بقا باید سرعت کار کشت را آغاز کند. جلسه امروز استنادار خوزستان را متعهد به تامین نیازهای کشت و پرداخت سریع حقوق و اضافه کاری معوق مربوط به ماههای تیر و مرداد، حداکثر تا ۱۵ مهر، کرد. همینطور نیکزاد نائب رئیس مجلس اسلامی، اعلام کرد دفترچه های بیمه تامین اجتماعی کارگران تا آخر سال جاری تمدید شده است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست این پیروزی را به کارگران هفت تپه تبریک میگوید. تامین بخش مهمی از مطالبات کارگران و بویژه پائین کشیدن کارفرمایان فاسد و استثمارگر که تنها هنرشان گرسنگی دادن به فرزندان کارگران است، شوراگیر است. حال باید برای قدمهای بعدی مبارزه و خواستههای محقق نشده مانند بازگشت همکاران اخراجی از جمله اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، سالار بیژنی، ایمان اخضری، برای تامین نظارت کارگران بر پروسه این تحول و دخالت روزمره در امور با اتکا به سازمان شورائی و مجمع عمومی کارگران متکی شد. کارگر هفت تپه یک مشعل فروزان مبارزه پرشور و آتشین طبقه کارگر ایران است. درود بر اتحاد و رزم کارگران هفت تپه!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰ - ۹ مهر ۱۳۹۹

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

## اطلاعیه پایانی برگزاری پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی حزب حکمتیست

در بند قرار ها و قطعنامه ها، قرارهای زیر به تصویب پلنوم رسیدند که عنوان آنها عبارتند از:

- ۱- حق جهانشمول بهداشت و درمان رایگان همگانی.
- ۲- تامین ماهیانه معیشت.
- ۳- درباره چاپ و انتشار آثار منصور حکمت.
- ۴- درباره شرکت در گرامیداشت جهانی ۱۵۰مین سالگرد کمون پاریس (مارس ۲۰۲۱)
- ۵- بیانیه مصوب دفتر سیاسی در مورد "نه به فقر، فلاکت و بیکاری، حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود" به تائید پلنوم رسید.

در دستور انتخابات، برای دبیر کمیته مرکزی، جمال کمانگر به اتفاق آراء انتخاب شد. رفیق فاتح شیخ خود را برای عضویت در دفتر سیاسی کاندید نکرد. دبیر کمیته مرکزی از طرف پلنوم از رفیق فاتح شیخ قدرانی کرد. در انتخابات دفتر سیاسی، پلنوم سیزده عضو کمیته مرکزی را برای عضویت در ارگان دفتر سیاسی انتخاب کرد: آذر ماجدی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، رضا کمانگر، سعید یگانه، سیاوش دانشور، سیوان کریمی، صالح سرداری، عبدالله دارابی، کریم نوری، ملکه عزتی، ناصر مرادی و همایون گدازگر.

پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی حزب حکمتیست پس از سه روز کار فشرده با سخنان اختتامیه جمال کمانگر دبیر کمیته مرکزی درباره موفقیت نشست کمیته مرکزی و ضرورت حضور فعال حزب در تحولات پیش رو با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

پس از پایان پلنوم جلسه دفتر سیاسی برگزار شد. دفتر سیاسی منتخب در نشست خود، سیاوش دانشور را به اتفاق آراء به عنوان رئیس دفتر سیاسی و شش عضو دیگر خود را برای هیئت اجرایی انتخاب کرد. به این ترتیب هیئت اجرایی حزب عبارتند از: آذر ماجدی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، سیاوش دانشور، صالح سرداری، عبدالله دارابی و ناصر مرادی. در همین نشست ناصر مرادی به عنوان دبیر هیئت اجرایی حزب انتخاب شد.

**کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

۷ مهرماه ۱۳۹۹ - ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰

پلنوم ۴۱ حزب حکمتیست در روزهای ۵، ۶ و ۷ مهرماه ۱۳۹۹ برابر با ۲۶، ۲۷ و ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰ با شرکت اکثریت کمیته مرکزی و رفیق حسین مرادیگی (حماه سور) بصورت اینترنتی برگزار شد. جلسه با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم افتتاح گردید.

پلنوم با سخنان جمال کمانگر دبیر کمیته مرکزی شروع شد. بدنبال تعیین هیئت رئیسه پلنوم و تصویب آئین نامه و موازین اینترنتی جلسه، پلنوم موارد زیر را از میان مباحث پیشنهاد شده در دستور گذاشت:

- ۱- گزارش رئیس دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی و ارزیابی از فعالیت حزب.
- ۲- بحث پاندمی کرونا، بحران اقتصادی و بیکارسازی وسیع، چه باید کرد؟ همراه چند قرار. معرف: جمال کمانگر.
- ۳- بحث اوضاع سیاسی ایران، آخرین تحولات، احتمالات پیش رو، سیاست حزب، معرف: آذر ماجدی.
- ۴- سند مسائل مبرم مبارزات کارگری ایران، خطوط تاکتیکی حزب در دوره پیش رو، معرف: سیاوش دانشور- رحمان حسین زاده.
- ۵- بحث پلاتفرم و طرح جامع فعالیت ما در کردستان، معرف: رحمان حسین زاده.
- ۶- بحث بازسازی سوسیالیستی جامعه، همراه با چند قرار. معرف: فاتح شیخ.
- ۷- قرارها و قطعنامه ها.
- ۸- انتخابات.

گزارشهای رئیس دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی و کمیته های اصلی حزب و ستاد تبلیغ همراه با رؤس مباحثی که در دستور پلنوم قرار گرفتند به صورت کتبی از قبل در اختیار شرکت کنندگان گذاشته شده بود. مباحث پلنوم که بخشاً برای هم نظری وسیع تر حزب بودند و بخشاً اسنادی برای تصویب بودند، توسط معرف ها ارائه شدند و رفقای کمیته مرکزی در فضائی فعال و ریلکس پیرامون جوانب گوناگون آنها دخالت و اظهار نظر کردند.

سند "مسائل مبرم مبارزات کارگری ایران، خطوط تاکتیکی حزب در دوره پیش رو" با اکثریت آراء و یک رای ممتنع به تصویب رسید.

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## قرارهای مصوب پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

مهرماه ۱۳۹۹ - سپتامبر ۲۰۲۰

### حق جهانشمول بهداشت و درمان رایگان همگانی

پاندمی کرونا نشان داد که نه خدا، نه شاه، نه سرمایه دارها برای نجات بشریت از این بیماری مهلک کاره‌ای نبوده اند، بلکه کادر درمانی و کارگران تولید مواد غذایی، بهداشتی و ترانسپورت در خط مقدم دفاع از سلامت بشر در ایندوران سخت هستند.

پلنوم کمیته مرکزی تصویب میکند که:

الف- خواست درمان و بهداشت عمومی رایگان و استاندارد برای همه خواستی فوری و قابل اجرا در همین نظام بورژوایی است.

ب- دسترسی همگانی و رایگان به تمام دستاوردهای علم پزشکی در درمان و تولید واکسن از جمله واکسن مقابله با بیماری کوید-۱۹.

\*\*\*

### درباره چاپ و انتشار آثار منصور حکمت

نظر به اهمیت اشاعه دیدگاه کمونیسم کارگری منصور حکمت بر متن تحولات مهم پیش روی جامعه ایران، پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی حزب حکمتیست از دفتر سیاسی حزب میخواهد اقدامات زیر را در دستور اجرا قرار دهد:

الف - چاپ باقیمانده مجموعه آثار منصور حکمت (جلدهای ۲، ۳، ۴، ۵ و ۹) و تجدید چاپ مجموعه انگلیسی.

ب - انتشار وسیع کتاب "مبانی کمونیسم کارگری / پنج اثر".

پ - بکار انداختن امکانات متنوع برای تسهیل دسترسی فعالان کارگری و کمونیستی جامعه به آثار منصور حکمت.

\*\*\*

### تامین ماهیانه معیشت

قبل از بحران کرونا، بیکاری در جهان انبوه و گسترده بود و امواج جدید بیکاری در کشورهای مختلف زندگی صدها میلیون نفر از کارگران و خانواده هایشان را تهدید میکرد. با پیشرفت تکنولوژی و به کارگیری "هوش مصنوعی" و "کامپیوترهای آگوریتیم" و آنچه به اتوماسیون معروف است، تعداد بیشتری از کارگران کارشان را از دست میدهند.

طرح پرداخت تامین ماهیانه معیشت به تمام آحاد جامعه توسط دولتها، در شرایطی که کار مناسب و درخور توجهی وجود ندارد، گامی فراتر از بیمه بیکاری محسوب میشود. چرا که بیمه بیکاری همواره شامل بخشهایی از مردم کارکن و محرومان نمیشود.

\*\*\*

### درباره شرکت در گرامیداشت جهانی ۱۵۰امین سالگرد کمون

#### پاریس (مارس ۲۰۲۱)

پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی حزب حکمتیست از رهبری حزب انتظار دارد شرکت فعال در گرامیداشت جهانی ۱۵۰امین سالگرد کمون پاریس را در دستور خود بگذارد. در این زمینه:

الف- به دفاع از دستاوردهای کمون در مبارزه طبقاتی پرولتاریای جهانی، تجربه شورائی کمون را برجسته کند.

ب- در پیوند با مبارزه طبقاتی پرولتاریا، به تلاش نظری در کاربست امروزی نقد مارکس و انگلس به کمبودهای تجربه کمون در عرصه ضرورت درهم شکستن ماشین دولت بورژوایی و دست بردن به اقدام اقتصادی بکوشد.

\*\*\*

**ملیت برخلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت از این نظر به مذهب شبیه است. اما برخلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح فرمال هم انتخابی نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید.**

**منصور حکمت، ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری**



اوضاع موجود ضروری است؛

## مسائل مبرم مبارزات کارگری ایران و خطوط تاکتیکی حزب در دوره پیش رو

چند فرض پایه ای:

با ورود بخشهای کلیدی صنعتی ایران به اعتصاب، سیر روزافزون اعتصاب و اعتراض کارگران و پتانسیل انفجاری میلیونها مردم به فقر و فلاکت اقتصادی و بیکاری محکوم شده، بحران سیاسی در ایران وارد مراحل تعیین کننده ای می شود. مهمترین خصلت مشخصه مقطع کنونی قطبی شدن جامعه حول مسائل مبرم معیشتی و اقتصادی است که جنبش کارگری پرچمدار آنست.

ما نه فقط قریب الوقوع بودن خیزشهای توده ای دیمه نود و شش علیه فقر و تداوم طوفانی آن در آبانماه نود و هشت، بلکه بمیدان آمدن رادیکالیسم کارگری در تقابل با فقر و فلاکت اقتصادی، گرانی و بیکاری، و قطبی شدن جامعه حول آن را در اسناد حزب تاکید کرده بودیم. امروز در شرایطی قرار داریم که جنبش طبقه کارگر و رادیکالیسم کارگری و سوسیالیستی، علیرغم محدودیتهای و کمبودهای جدی سیاسی و سازمانگرانه که وجود دارند، در سیاست ایران جایگاه روشن و معتبری دارد. حضور اعتصابی کارگر در این ابعاد و خواستههای معیشتی و رفاهی که مطرح اند، جامعه را قطبی تر می کند، تأثیرات بلافصل روی نیروهای سیاسی میگذارد و ضرورت بیش از پیش حضور مستقل طبقه کارگر با پرچم کمونیستی اش را در تحولات پیش رو تاکید میکند. در شرایط کنونی تشکیل مجمع عمومی در اعتراضات کارگری به یک سنت بالنسبه پایدار بدل شده است. توجه بیشتر و متکی شدن به سنت مبارزاتی شورانی میان فعالین و توده کارگران قابل مشاهده است. افق عام تر چپ جامعه به تحرک رادیکال کارگری و سنت شورانی معطوف است. همزمان جنبش طبقه ما با معضلات عملی و محدودیتهای واقعی دست و پنجه نرم میکند.

دو رکن سیاست ما

دخالته سیاسی و عملی حزب دو رکن اساسی دارد که یکی بدون دیگری به نتیجه مطلوب نمی رسد؛

اول، حزب در کشمکش جنبشهای طبقاتی در بحران کنونی، بعنوان نماینده و پرچمدار پرشور سیاست و راه حل کمونیستی طبقه کارگر در جامعه ظاهر می شود. حزب در این قلمرو چهارچوبهای سیاسی، افق طبقاتی، تمایزها، سبک کار، سنت مبارزاتی و تاکتیک های کلی را ترسیم میکند.

دوم، با اعتراض جاری اعتصابی و کارگری چفت میشود، سطح اعتراض را برسمیت می شناسد و تلاش دارد آنرا ارتقا دهد و گام به گام بجلو براند. حزب در این قلمرو به مسائل روز مبارزاتی، به پیشبرد اعتصاب و مبارزه جاری، به تاکتیک روز، به گسترش مجمع عمومی و دخالت مستمر توده ای کارگری کمک می کند.

جنبش کارگری برای پیشروی و بدل شدن به رهبر جامعه برای نفی

۱- اعتصابات و اعتراضات کارگری بصورت نقشه مند در سطح رشته ها و مراکز کارگری گسترش یابد. تجارب مبارزات کارگری نشان داده که یک مکانیسم عملی برای گسترش اعتراضات کارگری، اعتصاب در مراکز کارگری یک رشته و اعتصاب فرا- فابریکی و فرا- شهری است.

۲- قدم ضروری و مهم بعدی، قوام یافتن شبکه های فعالین و رهبران کارگری در سطوح مختلف است. گسترش رابطه و اتحاد مبارزاتی رهبران و فعالین کارگری چه در سطح مراکز کار در یک رشته و چه در سطح رشته ها و مراکز مختلف کارگری.

۳- دامن زدن به و تثبیت مجمع عمومی بعنوان رکن اساسی دخالت توده کارگران در امر طبقاتی و مبارزاتی خویش. تلاش آگاهانه برای محکم کردن رابطه نمایندگان منتخب مجمع عمومی کارگری با هم.

۴- "نه به فقر، فلاکت، بیکاری" و تامین "حرمت، معیشت، سلامت" فشرده خواستههای مبرم و از شعارهای عمومی و محوری جنبش کارگری است.

۵- مقابله با و نقد سیاسی جدی شعارها، تاکتیک ها و روشهای تفرقه افکنانه گرایشات راست دولتی و رفرمیستی و قانونگراییانه از موضع منفعت متمایز و تحکیم وحدت صفوف طبقه کارگر.

۶- جلب توجه کارگران کمونیست و سوسیالیست و پیشرو برای متحزب شدن و ضرورت حیاتی حزب بعنوان یک رکن اساسی انقلاب کارگری. دعوت از کارگران برای انتخاب سیاسی و پیوستن به حزب حکمتیست.

### خواستههای مرکزی

خواستههای جنبش کارگری وسیع است اما در شرایط امروز روی مسائلی کانونی و متمرکز شده که به سهم خود میتوانند متحد کننده بخشهای وسیعتری از جنبش کارگری و کاتالیزور کردن تقابل جامعه با حکومت اسلامی حول سیاستهای رادیکال طبقه کارگر باشند. سیاست ما وصل کردن این حلقه های زنجیر به هم، ایجاد وحدتی طبقاتی و حرکتی قدرتمند حول آن، پاسخ به سیاستهای غیر کارگری و بورژوائی و تلاش برای گسترش اعمال اراده توده ای کارگران است.

حزب خواستههای مرکزی و عمومی تر کارگران و مردم زحمتکش و مبارزه جاری آنها را در شعار: **"نه به فقر و فلاکت و بیکاری، تامین حرمت، معیشت، سلامت"** فشرده و در خواستههای زیر جمع بندی می کند:

۱. برخورداری از معیشت و لوازم یک زندگی شایسته حق همگان و تامین آن وظیفه دولت است. کارگران بیکار، میلیونها حاشیه نشین، کودکان کار، هر کسی که دستمزدی ندارد، باید هزینه زندگی اش توسط دولت تامین شود. این یک حق پایه ای است.
۲. برخورداری از سلامت و بهداشت و تامین دارو و وسائل بهداشتی حق همگان است و تامین آن وظیفه دولت است. این یک حق پایه ای کلیه ساکنین جامعه است.
- ۳- افزایش دستمزدها. افزایش دستمزد متناسب با سطح هزینه ها و تامین زندگی شایسته متناسب با نیازهای امروز یک خواست فوری کارگران است.
- ۴- حقوقهای معوق باید فوراً و با خسارت و محاسبه مابالتفاوت توری پرداخت شود. کارگران باید علیه کارفرمایان برای عدم پرداخت بموقع دستمزدها اعلام جرم کنند. پرداخت

نفی شرکتهای پیمانی و متوقف کردن خصوصی سازی از دیگر خواستههایی است که امروز بصورت سلبی طرح میشود اما هر عقب نشینی در آن جنگ بر سر مالکیت بطور کلی را بجلو میراند.

سیاست ما در ایندوره کار سازمانگرانه حول این خواستها، کوبیدن افشار مختلف سرمایه اعم از دولتی و خصوصی، نشان دادن وحدت و ضدیت شان با کارگران از یکسو، و تمرکز روی سیاست و تاکتیک روز در اعتراضات و اعتصابات جاری از سوی دیگر است.

### جنبش مجمع عمومی

تشکیل مجمع عمومی امروز یک سنت جاافتاده بویژه در اعتصابات کارگری است. ارتقای تشکیل مجمع عمومی به "جنبش مجمع عمومی" یک سیاست کلیدی ایندوره حزب و کارگران کمونیست است. جنبش مجمع عمومی زیرساخت و اساس سازماندهی یک جنبش شورائی-کارگری است. مجامع عمومی منظم مراکز کار در شرایط کنونی در تناسب قوای بهتری میتوانند خود را بعنوان شوراها اعلام کنند. یک قدم مهم در اینراه تلاش برای تشکیل مجمع نمایندگان مراکز در سطح رشته ها است. مثلا مجمع نمایندگان کارگران پتروشیمی در چند استان و تصمیمات آن.

رکن اساسی پیشروی و دخالت حزب در وضعیت سیاسی جاری، تمرکز روی جنبش اعتصابی و مبارزاتی جاری کارگران، رفع موانع مبارزاتی و سازمانگری آن و نمایندگی جنبش رادیکال و کمونیستی طبقه کارگر در مقیاس جامعه است.

مصوب پلنوم ۴۱ با اکثریت آرا و یک رای ممتنع  
سپتامبر ۲۰۲۰

## مسائل مبرم مبارزات کارگری ایران و خطوط

### تاکتیک حزب در دوره پیش رو ...

سر وقت و یکجای حقوق ها باید توسط کارفرما تضمین شود. دولت در مقابل عدم پرداخت حقوق مسئول است.

۵- مقابله با اخراج و بیکار سازی، ممنوعیت اخراج. تلاش برای رفع موانع سازماندهی میلیونها بیکار. ایجاد شوراهای بیکاران و اتحاد کارگران شاغل و بیکار.

۶- حذف شرکتهای پیمانکاری از سازمان کار. لغو قراردادهای سفید و موقت و پیمانی. انعقاد قرارداد دستجمعی کارگران با کارفرمایان. استخدام رسمی با حقوق و مزایای مربوطه، خواست اعتصابات اخیر و کارگران است.

۷- خصوصی سازی باید متوقف شود. کارگران مخالف واگذاری اموال عمومی، معادن، جنگلها، کارخانجات به افراد حکومتی یا واگذاری صندوق های بیمه و بازنشستگی و سهام کارخانه و معدن به بازار بورس هستند.

۸- اعمال نظارت کارگران بر امور در محیط کار و تولید. کارگران خواهان اعمال نظارت کارگری بر عملکرد کارفرمایان و دولت هستند.

حق معیشت و سلامت از نظر کارگران و اکثر مردم محروم امری فوری است و هر اعتراض توده ای قریب الوقوع حول این خواستها و علیه فقر و گرانی و بیکاری شکل می گیرد. نقد کردن حقوقهای معوقه و افزایش دستمزدها یک قلمرو دیگر است که بخشهای مهمی از طبقه کارگر با آن روبرو هستند.

## بار آوری کار و بیکاری

بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هر چه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتا به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفا کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساسا به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

## نه به فقر، فلاکت و بیکاری

### حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود!

شود.

#### علیه فقر، فلاکت و بیکاری: یک قلمرو عاجل نبرد طبقاتی!

جنبش طبقه کارگر و جنبش توده ای رادیکال در نبردی مستمر برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و ساقط کردن کامل بورژوازی از اریکه قدرت در تلاشند. این پاسخ قطعی جنبش آزادیخواهان ما برای پایان دادن به همه مصائب ناشی از حاکمیت سیاه کاپیتالیستی موجود و جمهوری اسلامی است. این هدف پایه ای و استراتژیک طبقه کارگر در هر مقطع در عرصه های نبرد تاکتیکی مشخص برجسته و جاری میشود. در این مقطع حساس مقابله و سنگربندی جنبش طبقه کارگر و جنبش اعتراضی توده ای علیه فقر و فلاکت و بیکاری به مثابه عرصه های تاکتیکی عاجل نبرد جاری بیش از هر دوره ای میرمیت دارد. بر این اساس فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اینست:

#### ۱- جنبش سازمانیافته و هدفمند "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" را به میدان بکشیم!

عرصه های مبارزات جاری علیه وضع موجود، علیه تعرض معیشتی، اقتصادی و سیاسی حاکمیت جمهوری اسلامی متنوع است. طبقه کارگر و مردم تحت فشار به طور مستمر، در جبهه های متعدد مبارزه اجتماعی و طبقاتی از جمله علیه فقر و دستمزدهای ناچیز، علیه بیکاری میلیونی و بیکارسازیهای گسترده این دوره، علیه تعرض به حقوق پایه و گرانی و نبودن امکانات سلامتی و پزشکی و بهداشتی و در یک کلام علیه اوضاع فلاکت بار زندگی در مبارزه ای بی وقفه اند. هر تک اعتصاب و اعتراض و موفقیتی در این عرصه های نبرد مبارزاتی مهم و با ارزشند، اما کافی نیستند. یک صفبندی و سنگربندی موثرتر و متحدتر و گسترده تر لازمست. فصل مشترک همه این مبارزات ایستادگی در مقابل تحمیل فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری است. اکنون وقت آن است همه بخشهای مختلف این مبارزه، آگاهانه و مبتکرانه و سازمانیافته، با خواست و شعار سلبی و محوری "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" به میدان بیایند. نیروی فعاله و ستون فقرات شکل دادن به چنین صفبندی مبارزاتی، جنبش طبقه کارگر است. فراخوان ما اینست رهبران و پیشروان آگاه جنبش کارگری و کمونیستهای طبقه کارگر با ابتکار و خلاقیت و همگامی و اتکا به پلاتنوم روشن، سازماندهی و رهبری مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" را تضمین کنیم.

#### ۲- حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود!

خواسته های برحق متعددی علیه شرایط فلاکتبار زندگی در مبارزات جاری مطرحند. اما مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" لازمست حول خواست اثباتی و محوری شفاف متحد شود. خواستی که در این دوره میتواند شرایط زندگی طبقه کارگر و مردم زیر فشار را به فوریت بهبود بخشد، و در این دوره میتواند مبنای اتحاد و همبستگی بخشهای مختلف مبارزاتی باشد، خواست "حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود" است. منظور از تامین

سونامی فقر و فلاکت و بیکاری همراه با استبداد و سرکوب و فجایع اجتماعی ناشی از آن، زندگی طبقه کارگر و اکثریت عظیم شهروندان جامعه ایران را به لبه پرتگاه کشانده است. میلیونها بیکار و بی مسکن، کارتن خواب و گور خواب و کودکان کار، زندگی زیر خط فقر بیش از نیمی از جمعیت ایران که فاقد بیمه های اجتماعی و درمانی و محروم از کمترین امکانات سلامت و بهداشت و پزشکی هستند، تصویر اولیه از موقعیت تکانهنده زندگی اکثریت عظیم شهروندان جامعه ایران است. کاپیتالیسم عمیقاً بحران زده ایران و اقتصاد در حال فروپاشی جمهوری اسلامی سرمنشاء این تراژدی است که با پیدایش و گسترش ویروس کرونا، شرایط فاجعه بارتر و غیرقابل تحملتر شده است. بر بطن موج جدید بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی سال ۲۰۲۰ و ادامه مصیبت بار پاندمی کرونا، گسترش فقر شدید، فلاکت و بیکاری انبوه از پیامدهای نگران کننده آن است. مرگ و نیستی در ابعاد میلیونی انسانها و جامعه را تهدید میکند.

نظم استثمارگر سرمایه داری بیش از هر دوره ای ارجحیت سودپرستی و فقط تامین سود بیشتر را بر انسان و همه وجوه زندگی وی در مقابل خود قرار داده است. این نظم وارونه میخواد پیدایش و گسترش پاندمی کرونا را به دستاویزی برای شانه خالی کردن از زیر بار فجایع به بار آمده و به روال همه دوره های بحرانزدگیش به فرصتی برای سرشکن کردن پیامدهای بحران جاری علیه طبقه کارگر و بشریت تبدیل کند. سناریوی هولناک تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری، در این دوره هم، فوری ترین دستور کار بورژوازی جهانی و به ویژه سرمایه داری مستبد و متکی به کار ارزان در ایران است.

سناریوی ضد انسانی کاپیتالیسم در جهان و در ایران پذیرفتنی نیست. رسالت طبقاتی و تاریخی طبقه کارگر و کمونیسم ایجاب میکند، در مقابل طرحهای رفع بحران و بازسازی نظم کاپیتالیستی بحران زده و لطمه خورده از کرونا و در دوره پسا کرونا، جنبش کمونیستی و کارگری آلترناتیو رهایی از کلیت نکبت سرمایه را به میدان آورد. اما برای مقابله با طرحهای انباشته از رنج و مرگ و محنت کاپیتالیستی آلترناتیو کارسازی، غیر از ایستادگی و مبارزه سازمانیافته و هدفمند طبقه کارگر و مردم تحت فشار به منظور به شکست کشاندن طرحهای سبعانه و نهایتاً ساقط کردن بورژوازی از اریکه قدرت موجود نیست. در ادامه مبارزات گسترده دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و ابراز وجود امید بخش جنبش کارگری و اردوی طبقه کارگر در سالهای اخیر، مشاهده جنب و جوش تظاهراتها و اعتراضات کارگری و توده ای بر بستر خشم و انزجار عمیق تلنبارشده، فاکتورهای واقعی و قوی عروج مجدد انفجارات اجتماعی و اعتصابات و اعتراضات کارگری و توده ای در مقابل بورژوازی افسارگسیخته و رژیم جمهوری اسلامی است. نظام اسلامی سرمایه داری ایران یکی از ضعیفترین حلقه های سرمایه داری جهانی است و میتواند و باید با نیروی مبارزاتی کارگران و مردم تشنه رهایی جامعه به زیر کشیده



بگیرند. سازماندهی شوراها و جنبش شورایی ضرورت حیاتی پیشبرد مبارزه این دوره و مبارزه علیه فقر و فلاکت و بیکاری است.

۴- جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" بخش لاینفک نبرد برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ساقط کردن حاکمیت بورژوازی است! هدف مستقیم و فوری مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری"، به شکست کشاندن تعرض اقتصادی و سیاسی حکومت اسلامی و ایجاد بهبود جدی و سریع در شرایط کار و زندگی طبقه کارگر و مردم محروم جامعه ایران است. تردیدی نیست هر قدم پیشروی این جنبش در گرو یک قدم عقب راندن جمهوری اسلامی است. نهایتاً بهبود جدی شرایط زندگی کارگران و مردم در گرو به زیر کشیدن حاکمیت جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری است. به این ترتیب مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" بخش لاینفک جنبش انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی با اتکا به جنبش طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی است که حول سیاست و رهبری کارگری - کمونیستی بسیج شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست توجه کارگران و مردم را به این واقعیت جلب میکند که هیولای "فقر و فلاکت و بیکاری" تهدید بزرگی علیه طبقه کارگر و شهروندان جامعه ایران است. فراخوان ما اینست با سازماندهی مبارزه و جنبش قدرتمند "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" و با خواست، "حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود" این تهدید و سرمنشاء این تهدید سرمایه داری حاکم و جمهوری اسلامی را به شکست بکشانیم و تحقق آزادی، برابری و رفاه همگانی را ممکن کنیم.

۱۶ خرداد ۱۳۹۹ - ۵ ژوئن ۲۰۲۰

\* این بیانیه مصوب دفتر سیاسی به تائید پلنوم ۴۱ حزب در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰ رسید.

## نه به فقر، فلاکت و بیکاری

**حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید**

**تضمین شود ...**

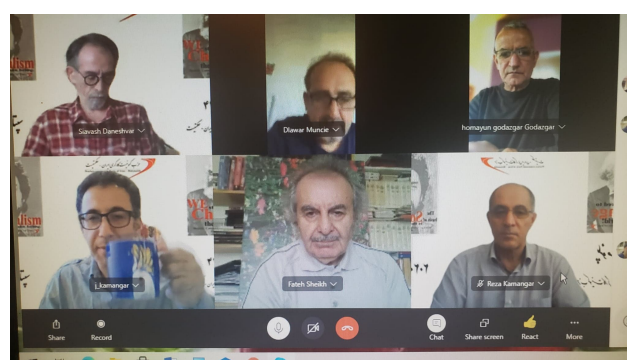
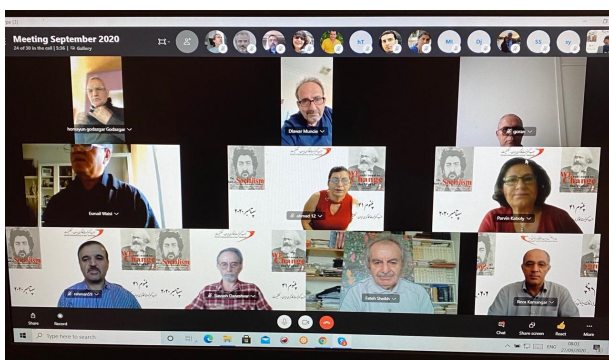
حرمت؛ برابری کامل شأن افراد در مقابل قانون و منظور از معیشت و سلامت به معنای وسیع کلمه، یعنی تامین همه وجوه زندگی شایسته انسان مطابق آخرین دستاوردها و استانداردها که انسان امروز به آن نیاز دارد. یعنی هیچ شهروند و ساکن ایران تحت هر شرایطی دغدغه تامین غذا و پوشاک کافی، مسکن مناسب، طب و سلامت و بهداشت، تحصیل و آموزش رایگان، امکان و زمان فراغت و تفریح، دسترسی به ترانسپورت و دیگر مایحتاج ضروری زندگی را نداشته باشد. با اتکا به اراده و مبارزه موثر و قدرتمند میتوان و باید دولت را به "تضمین بی اما و اگر حرمت، معیشت، و سلامت کلیه ساکنین ایران" موظف کرد.

۳- شوراها را در مراکز کار و محلات باید ایجاد کرد!

پیشروی و پیشبرد مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" در گرو اتحاد و سازمانیابی توده ای این جنبش است. ایجاد شوراها در هر مرکز کار و رشته کارگری و هر محله و شهر، سازماندهی و تقویت یک جنبش شورائی، ابزار و پایه اصلی متشکل شدن و قدرتمند شدن مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" است. لازمست رهبران و فعالین کمونیست جنبش طبقه کارگر و اردوی انقلابی در هر جا که هستند، در مراکز کار و رشته های کارگری، در محلات، در مراکز آموزشی و دانشگاهها و میان نسل جوان محروم از کار و معیشت و توده عظیم بیکاران، ابتکار سازماندهی شوراها را بدست

عکسهائی

از پلنوم ۴۱



## "پیام نوین" و شعار دزدی!

ارتجاع "صدای انقلاب مردم" را شنیده است!

آذر ماجدی

اپوزیسیون راست خرگوش دیگری از کلاه درآورده است؛ اما این خرگوش مفلوک و نیمه جان است. "پیام نوین" رضا پهلوی تلاشی است برای بسیج صف آشفته گرگ های در اپوزیسیون لانه کرده؛ پیام ظاهرا با مردم سخن می گوید، اما در واقع دارد به اپوزیسیون دست راستی هشدار می دهد که باید بجنب اند؛ صفوف شان را متحد کنند و در تدارک یک رژیم چنج صف آرایی کنند. تشتت و دعوار بر سر صندلی و پول را به کناری بگذارند؛ فرشگرد و ققنوس و بیانیه های ۱۴ معصوم و فراخوان های رفراندوم را که دو سال و نیم است از کلاه در آورده اند را به فراموشی بسپارند و در کنار هم متحد و منسجم ظاهر شوند.

این "ما" چه کسی است؟

رضا پهلوی در این پیام از "ما" سخن می گوید و بر ضمیر ما تاکید می گذارد. این "ما" کیست؟ تمام گرگانی که تا دیروز از قیل رژیم اسلامی دزدیده اند و خورده اند و برده اند؛ کسانی که دستشان در جنایت این نظام آلوده است و لازم المحاکمه هستند؛ رژیم سابقی هایی که بر پول های اختلاس شده لم داده اند؛ دلانان سیاسی ای که کارشان تا دیروز مصاحبه و قلمفرسایی در باب اصلاح جمهوری اسلامی بوده است و اکنون در باب "گذار مسالمت آمیز" از رژیم. دیروز روضه امام حسین و کربلا می خواندند و امروز از کورش و زرتشت می گویند؛ ناسیونالیست های قومپرستی که دیده اند چگونه برادران قومپرست شان در کردستان عراق در نتیجه یک رژیم چنج خونین بقدرت و مال و منال رسیدند و در آرزوی تکرار همان سناریو در ایران هستند. حتی لیبرال هایی که تا دیروز از حاکمیت مردم می گفتند و امروز رضا پهلوی را "سرشناس ترین" چهره اپوزیسیون می نامند و با حفظ برخی ملاحظات از او بعنوان یک انسان "آزادخواه" و "متمدن" یاد می کنند.

این "ما" بجای مردم نشانده می شود. پیام در اصل به اپوزیسیون راست و مرتجع است؛ اما در زوروق شعارهای مصادره شده از کارگران، مردم آزادیخواه و بجان آمده و کمونیست ها پیچیده می شود. تلاشی عبث برای فریب مردم! مردم آگاه تر، روشن بین تر و پخته تر از آن هستند که فریب این شعارهای پر طمطراق دزدی را بخورند. این نسل، نسل سال ۵۷ نیست. رژیم چنج چهل سال پیش عملی شد ولی اکنون خودتان هم می دانید که کار هرکولی نیاز دارد. دو سال و نیم است که مدام آب را تست کرده اید، و هر بار از بار پیش ناامید تر شدید. از همین رو در کمال وقاحت و علنا از حمله نظامی آمریکا به ایران برای قدرتیابی سخن گفتید. به هر دری زدید که دولت آمریکا را به دخالت نظامی و کشتن بیش از یک میلیون انسان راضی کنید. آگاهید که بدون چنین دخالت و بدون پاشیدن خون و به قیمت ویرانی جامعه قادر نیستید به آلترناتیو حکومتی بدل شوید.

روضه خوانی دردی دوا نمی کند!

رضا پهلوی می گوید که رژیم اسلامی جز "خفقان و تبعیض" و

"سرخوردگی و ناامیدی" ارمانی برای مردم نداشته است. می گوید که نمی خواهد شاهد باشد که "کودک بلوچ در کپر زندگی می کند." از اینکه "کشور در اختیار بیگانگان" گذاشته می شود و "بروی مردم بیدفاع شلیک می شود" رنج می کشد. انسان نمی داند که به این روضه خوانی بخندد یا گریه کند. از قدیم گفته اند "دروغگو کم حافظه می شود!" بگذارید



حافظه ایشان را بروز کنیم. آیا نظام های پهلوی چیزی بجز خفقان و تبعیض، سرخوردگی و ناامیدی، فقر و فلاکت برای مردم به ارمان آوردند؟ در نظام سلطنت پهلوی، پدر و پسر، آیا کودک بلوچستانی، کردستانی، آذربایجانی، تهرانی و اصفهانی در کجا زندگی می کرد؟ آیا کپر لغت تازه ای در فرهنگ لغات سیاسی ایران است؟ کپر نشینی و حاشیه نشینی آیا یک پدیده جدید و صرفا اسلامی است؟ دست بردارید! اشک تمساح ریختن دردی از تان دوا نمی کند.

چنان از تیراندازی بروی مردم بیدفاع سخن می گوید و از تاراج ثروت جامعه و دزدی و واگذاری سرزمین به بیگانگان که انسان هاج و واج می ماند که این شخص از تاریخ بی اطلاع است؟ تازه بدنیا آمده است؟ آن ۶۲ میلیون دلار ثروت اعترافی خودش را چگونه بدست آورده است؟ از آسمان برایش باریده است؟

باید پرسید که آیا خوشی زیر دل مردم زده بود که علیه پدر ایشان انقلاب کردند؟ مردم علیه اختناق، سرکوب، ساواک، شکنجه و اعدام، علیه فقر و فلاکت، حاشیه نشینی، نابرابری، تبعیض و قدرتی حکومتی بپا خاستند و با گلوله های "برادران ارتشی" و به فرمان پدر ایشان روبرو شدند؛ میدان ژاله در ۱۷ شهریور فقط یک نمونه است.

شعار دزدی دردی از تان دوا نمی کند!

یک وجه رقت بار، مضحک و در ضمن وقیح این پیام مصادره شعارهای کارگران و کمونیست هاست. رضا پهلوی از "آزادی و رفاه" سخن می گوید! ادعا می کند که نظام آلترناتیویش برای مردم آزادی و رفاه به ارمان خواهد آورد! جل الخالق! آقای پهلوی مردم دیروز بدنیا نیامده اند! شما بویی از آزادیخواهی نبرده اید! جد اندر جد دزدیده اید و خورده اید و برده اید! تاریخ زنده است. مردم شما و همپالگی هایتان را خوب می شناسند. مصادره شعار کارگران و کمونیست ها دردی از تان دوا نخواهد کرد. فقط نشان می دهید که تا چه میزان مستاصل شده اید که در روز روشن و در مقابل نگاه خاص و عام به شعارهای "ارتجاع سرخ" دست درازی می کنید. این کلاه برای سرتان گشاد است.

"خرد جمعی!"

آنقدر مفلوک شده اند که شعار طبقه کارگر، بویژه کارگران هفت تپه را مصادره می کنند. آیا اصلا معنای این خواست کارگران را درک می کنید؟ کارگران مجامع عمومی شان را تشکیل می دهند؛ در این مجامع بحث می کنند؛ با هم تصمیم می گیرند و جمعی وارد میدان مبارزه می شوند. "خرد جمعی" شعار دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و نزدیک به سه ماه مبارزه قهرمانانه کارگران هفت تپه است. کارگران با این شعار علیه فقر و فلاکت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب و برای سلب مالکیت از سرمایه داران بمیدان آمده اند. همان سرمایه دارانی که

انتظار نداشته باشید که با سرنگونی رژیم اسلامی و قدرتگیری آلترناتیو راست رژیم چنجی وضعیتان بهبود یابد؛ فقر ریشه کن شود؛ فلاکت رخت بریندد؛ آزادی و رفاه برقرار شود؛ اراده جمعی مردم حاکم شود. بقول داریوش همایون از رهبران اپوزیسیون راست رژیم سابق: "مردم باید سه نسل از آنچه می خواهند بیشتر کار کنند و از آنچه انتظار دارند کمتر دریافت کنند تا اقتصاد ورشکسته سامان بگیرد." مردم از شما نه "مرهم سریع" و نه "مرهم لاک پشتی" طلب می کنند. بخود زحمت ندهید.

### "باور" کلام کلیدی

رضا پهلوی اضافه می کند که "باور" آن کلام کلیدی است. در اینجا با ایشان هم نظریم. باور برآستی که کلیدی است. اما شما کلیدتان در را باز نمی کنید. مردم به دستیابی به یک جامعه "آزاد، برابر و مرفه" باور دارند؛ مردم به نیروی متحد و منسجم خود باور دارند؛ مردم باور دارند که فقط به نیروی متحد و سازمانیافته خود باید اتکاء کنند. مردم باور دارند که نه تنها رژیم اسلامی، بلکه کلیه اپوزیسیون راست و طرفداران نظام سرمایه داری خواهان تداوم نظم استثماری، مختنق و سرکوبگر هستند. مردم باورمند هستند که تنها پاسخ رهایی بخش سرنگونی نظام سرمایه داری به همراه نظام اسلامی است. مردم ذره ای به دزدان سرگردنه چه از نوع اسلامی و چه از نوع رژیم سابق باور ندارند. مردم پخته تر و آگاه تر از آن هستند که به این پیام پر فریب با شعارهای دزدی باور بیآورند. مردم از تاریخ آموخته اند. و تاریخ به آنها می گوید که این سیاستمداران دزد و دروغگو بدنبال پر کردن جیب های خود و قدرتگیری خویش هستند. مردم به شما باور ندارند!

۱ اکتبر ۲۰۲۰

## "پیام نوین" و شعار دزدی!

### ارتجاع "صدای انقلاب مردم" را شنیده است ...

شما با قاطعیت از حق مالکیت شان دفاع می کنید.

نمی توان هم از تقدس حق مالکیت سرمایه داران دفاع کرد و هم از آزادی و رفاه. نمی توان پرچم مالکیت سرمایه دارانه را برافراشت و از "خرد جمعی" که طبقه کارگر طی مبارزات جانفشانه خود در تاریخ به ثبت رساند، سخن گفت. دم خروس از این "پیام نوین" بیرون زده است. حتی نمی توانند در یک پیام ۱۵ دقیقه ای که قصدش فریب مردم است از تعهد خود به دفاع از مالکیت سرمایه دارانه سخن نگویند. "خدا روزیتان را جای دیگری حواله کند!"

تا مالکیت سرمایه دارانه پایرجا است؛ تا زمانیکه سرمایه داری حاکم است، هیچ سخنی از آزادی و رفاه نمی توان گفت. بدون برابری کامل اقتصادی، بدون فروپاشی مناسبات سرمایه دارانه شعار آزادی و رفاه پشیزی ارزش ندارد؛ یک دروغ و فریب بیش نیست. شما می دانید، ما می دانیم، مردم هم می دانند.

### مرهم سریع!

جالب است که در همین پیام کوتاه، علیرغم مصادره شعارهای کارگران و مردم بپا خاسته و کمونیست ها، فراموش نمی کنند که اعلام نمایند "مرهم سریع" در کار نیست. منظور از "مرهم سریع" چیست؟ یعنی

## جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

## بدون امید سوسیالیسم، بدون «خطر» سوسیالیسم،

## به چه منجلاپی تبدیل میشود!

منصور حکمت

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

کارگران در اعتراضات به مجمع

عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی کارگری را

گسترش دهید!

## کارت سوخته یک بازنده سیاسی

سیوان کریمی

این عنوان نه آژیتاسیون است و نه تبلیغات. حقیقتی است که خود رضا پهلوی هم به آن پی برده است. فرزند یک سیاستمدار نمی تواند سیاست کند. این بازنده سیاسی را جلوی یک دوربین می گذارند و از کلاهش یکبار "قفقوس" بیرون می زند، یکبار "شورای گذار" و حالا "پیمان نوین"! هر کدام نیز تاریخ مصرف شان بسرعت اکسپایر می شود. به دو جهت - خواستن و نخواستن مردم و قضاوت آیندگان- از نظر من هم رضا پهلوی بازنده سیاسی است و هم آنچه برایش می نویسند تا بخواند و به عنوان سیاست معرفی کند، کارت سوخته.

برای سیاست باید پای هر انسانی روی زمین باشد. نباید به شعور مردم توهین کرد. مردم ایران که هواداران متعصب نیستند که کف و سوت بزنند و بر دوش تان بگیرند! مردم می شنوند، تحلیل می کنند، دو دوتا چهارتا می کنند، منطق که پشت حرفت نباشد، به ریش می خندند. در صحبت‌های رضا پهلوی یک نکته واقعی وجود داشت. "مردم می دانند چه چیز را نمی خواهند و می دانند چه چیز را می خواهند". این حرف را باید در جامعه کنونی ترجمه کرد. دیماه ۹۶ در ۳۰۰ شهر تظاهرات بود و در محله ای در قم عده ای شعار زنده باد پدر بزرگ ایشان را سر دادند. ناگهان مهندسی افکار شروع و زمان شبکه های خبری به دو بخش تبدیل شد؛ نصف هر بخش به این شعار ۱۰ ثانیه ای و دعوت از این و آن "کارشناس" برای تحلیل این شعار با هدف تقویت موقعیت رضا پهلوی بود! اما همان محله هم صدایش درنیامد. راستی این نخواستن نیست؟ شعار در و دیوار هر شهر چطور؟ "نه شاه می خوایم، نه ملا"، برایتان معنی ندارد؟ صحبت‌های رهبر کارگری مانند اسماعیل بخشی که گفت خودتان را به ما نجسپانید چطور، برایتان معنی دارد؟ اصلا می فهمید که اینها را "مردم" می گویند و بخشی از خطابشان به شماست؟ مردم هیچگاه چیزی را که بالا بیاورند دوباره نمی خورند. شما را نمی دانم.

نخواستن مردم را با مصاحبه و تلویزیون و برنامه های حمایتی از این و آن ارتجاع نمی توان تغییر داد. دانشجویان به عنوان یک بخش و بدنه اصلی در اعتراضات جامعه که در این دوره به درست در کنار اعتراضات کارگری بودند و به عنوان فرزندان طبقه کارگر، گام به گام با آنها بودند، تکلیف خود را نه با شما، بلکه به طور عموم با راست و ارتجاع مشخص کردند. پادوهای دیروز خاتمی و ژست بگیران امروز با شما و خانم فرح دیبا، دونده همیشه بازنده مارا تن های تلویزیونهای صدای آمریکا و بی بی سی، از سوی همین دانشجویان با ارتجاع و انقیاد نام برده شد. این هم برایتان معنی ندارد؟ این نخواستن نیست؟ سپاه و بسیج دیروز و ارتش امروز که مخاطب همیشگی سخنان شما است، سایه غم و اندوه را به تک تک خانواده ها هدیه کردند. کشتار آبان و دیماه محصول همین "برادرانتان" بود.

مردم می دانند چه می خواهند و در حالی که شما از این شاخه به آن شاخه، از آن شورا به این پیمان می دوید، روزانه با رژیم اسلامی درحال جنگند. این جنگ، نه تنها جنگ با چهارچوب سیاسی رژیم

اسلامی بلکه مبارزه ای پایه ای تر است. جنگی است با ریشه این وضعیت اقتصادی، با پایه های فقر و فلاکت و بیکاری و با اسلام که شمای شبه سکولار عزیزش می داری! تغییر عمده با کراوات گره این مشکل نیست که مردم بخواهند آن را "بپذیرند". مشکل مردم سیستم سرمایه داری است که گلوی طبقه کارگر و مردم زحمتکش را فشرده است. مشکل مردم خفقان و سرکوب است.

مشکل مردم از جمله دستگاه دین و این آخوندهای انگل هستند که شما سر روی دوش شان میگذارید و به آنها اطمینان خاطر میدهی! ترجمه "حفظ تمامیت ارضی" این "پیمان نوین" چیست؟ مگر چیزی جز سرکوب است؟ نیروی ارتش و نیروهای انتظامی را برای چه چیزی فراخوان می دهید؟ البته آنها کار خود را بلدند، در زمان پدر میدان ژاله را خلق کردند، در دوران جمهوری اسلامی تابستان ۶۰ و آبانماه و دیماه را خلق کند. اینها که کشته شدند، مردم بودند. کدام عقل سلیم به شما حکم میکند که این مردم دوباره و اینبار به فرمان پسر رضا پهلوی آدمکش، یک ارتجاع و سرکوب و خفقان دیگر را با دست خود قبول کنند! این میزان از توهم ناشی از چیست؟

نویسندگان این سخنرانیهایتان چرا در مورد کلمات و جملات فکر نمی کنند؟ این جمله شما نوبر است؛ "آیندگان درباره شما قضاوت می کنند!" این قاضیان میلیونی امروز جامعه ایران که خالق دیماه و آبانماه بودند، این کارگران معترض هفت تپه و فولاد، آیندگان دوران پدر شما هستند. دارند قضاوت می کنند و این قضاوت آنهاست که در هیچ جایی نامی از شما نیست، نامی از پدر و پدربزرگ تان نیست و نامی از نظام مورد نظرتان نیست. اگر مردم را قاضیانی منصف می دانستید و براین اساس عمل میکردید، باید همین امروز میرفتید و در گوشه ای می نشستید و از دنیای سیاست کنار میرفتی. دو حکم در این سخن شما، با هیچ چسبی به جامعه چسبانده نمی شود: نه مردم شما را می خواهند و نه قضاوتشان سر سوزنی از انتخاب شما جانبداری می کند.

### به نسل من

جمهوری اسلامی رفتنی است. این نه تنها خواست قلبی من بلکه یک داده در دنیای سیاست امروز است. سرنوشتی رژیم اسلامی به خودی خود نمیتواند به زندگی بهتر منجر شود. سلف حاکمان دیروز، ادامه جمهوری اسلامی است. ما در این دور باطل "شاه- ولی فقیه - شاه" قرار نخواهیم گرفت. مردم ایران نسبت به ۴۰ سال گذشته خود آگاهتر شده اند. طبقه کارگر در ایران نه تنها به خودآگاهی بلکه به خودباوری رسیده است. در همان هفت تپه و فولاد رهبران کارگری هستند که این پیمان نوین و ارائه دهنده و حامیان آن را در یک مناظره نیم ساعته بر روی طناب پهن می کنند. ما می خواهیم خودمان برای خودمان تصمیم بگیریم. در لحظه و برای هر تصمیم. دموکراسی مورد ادعای رضا پهلوی، همین مجلس شورای اسلامی امروز و حزب رستاخیز دیروز است. مطلقا فرقی ندارد. دستگاه سرکوب همان است. ما در این دور باطل قرار نخواهیم گرفت و بسیار قاطع برای شکست این پروژه های ارتجاعی و ضد کارگری تلاش می کنیم. انتخاب ما سوسیالیسم و زندگی شورایی است. ما باید شورا را زندگی کنیم.





## "پیمان نوین" رضا پهلوی

سعید یگانه



سلطنت طلب و مشروطه خواه و جمهوری خواه و قبول یک سری خواستها از طرف آنان مثلا حقوق و آزادی زن یا جدایی دین از دولت نه سر آزادیخواهی آنان، بلکه فشار جامعه و توقع بالای آنان از آینده بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است.

ما از نسلی هستیم که حکومت پهلوی را با زندان و شکنجه گاه اوین و حلبی آبادهای حاشیه شهرها و فقر و نابرابری تجربه کرده ایم. رژیم پهلوی هیچ چیزی ندارد که رضا پهلوی و طرفداران سلطنت به آن افتخار کنند. خودش فاش ساخته است که فقط ایشان ۶۲ میلیون دلار آن زمان از ثروت پدر تاجدارش به ارث برده است. رضا پهلوی و همفکران او هدفی جز کنار گذاشتن آخوند و تغییراتی در بالا و حفظ وضع موجود ندارند. تمام دموکراسی خواهی آنان تشکیل مجلس و تدوین قانون اساسی برای حفظ نظام کار مزدی و کشیدن شیریه جان کارگراست. بی دلیل نیست که رضا پهلوی در مورد مرگ سردار تروریست و جنایتکار قاسم سلیمانی عزا گرفت و لام تا کام چیزی نگفت و بی خود نیست که مرتب به ارتش و سپاه پیام می فرستد. اینها با آخوند مشکل دارند نه با مذهب تازه آنها نه با همه آخوندها. پدر تاجدار ایشان تازه آخوند و مذهب و مسجد و امامزاده عصای دستش بود و مردم را با آن تمحیق میکردند.

پلاتفرم رضا پهلوی و همه طیفهای بورژوازی پرو غرب و ناسیونالیستها، طرفداران فدرالیست یکی است. شعار آنان "گذار از جمهوری اسلامی" است نه "سرنگونی". هدف آنان اساسا ضدیت با مبارزات رادیکال و انقلابی کارگران و زحمتکشان و دست بردن آنها به عمل انقلابی و زیر و روکننده در جهت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. آنان می کوشند با طرح الترناتیو خود دستگاههای نظامی و ارگانهای مافوق مردم را با کمترین ضرر حفظ کنند و مردم را به تغییراتی سطحی از بالا قانع کنند تا مناسبات سرمایه دارانه موجود دست نخورده باقی بماند. تجربه انقلاب ۵۷ به ما می آموزد که باید جامعه هوشیارانه به برنامه و پلان جناح راست بورژوازی برخورد کند و بار دیگر اجازه ندهند که مبارزات و جانفشانیهای مردم را پلکان ترقی خود و ابزار رسیدن به قدرت قرار دهند. طبقه کارگر و مردم تشنه آزادی و رفاه باید تلاش کنند این امکان را از آنان سلب کنند. جمهوری اسلامی از شکم حکومت پهلوی متولد شد و با حمایت غرب به جامعه ایران تحمیل شد. نباید دوباره اجازه داد تولدی دیگر با حمایت آمریکا و غرب به جامعه ما تحمیل شود. آزموده را، آزمودن خطاست. در مقابل الترناتیو راست، ما الترناتیو سوسیالیستی را در مقابل جامعه قرار می دهیم و برای تحقق آن تلاش می کنیم. نیروی این الترناتیو تحول بخش به نفع اکثریت کارگر و زحمتکش و مردم تهیدست، جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال حاضر در میدان است. جامعه ایران بعد از دو تجربه حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی باید به نظام دیگر که آزادی و برابری و رفاه را برای مردم تامین می کند فکر کنند و به الترناتیو جناحهای مختلف بورژوازی از جمله رضا پهلوی جواب رد بدهند.

این بار نوبت کارگر و زحمتکش و مردم آزادیخواه است که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، سرنوشت خود را از طریق حاکمیت شورایی، نه پارلمانها و مجالس کذایی بورژوازی، به دست

اخیرا رضا پهلوی ویدیویی انتشار داده است که در آن از همه نیروهای سیاسی و "دموکراسی خواه" فارغ از گذشته و گرایش سیاسی شان خواسته است که با کنار گذاشتن اختلافات و خود بزرگ بینی و برتری جویی برای "گذار از جمهوری اسلامی" برای "نجات ایران" متحد شوند. او گفته است دلیل سخنرانی امروزش آغاز گفتگو برای ارائه یک "پیمان نوین" است.

پیام رضا پهلوی تا اینجا هیچ چیز تازه ای در بر ندارد. تکرار فراخوانهای اسبق ایشان برای خروج از بن بست است که کل طیف بورژوازی پرو غرب از جمله رضا پهلوی که در آن گرفتار هستند و تلاشهای تاکتونی مختلف آنان و از جمله این اواخر "شورای مدیریت گذار" با استقبال مردم تشنه آزادی و رفاه روبرو نشده است. خود رضا پهلوی با دلی پر و نا امیدانه می گوید "یا با هم متحد میشویم و این کشتی طوفان زده را به ساحل می بریم یا همه ما در آن غرق می شویم". علاوه بر این تلاش جدید رضا پهلوی در شرایطی انجام می گیرد که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در راه است و رضا پهلوی به امید اینکه بار دیگر ترامپ در این مسابقه پیروز شود و حمایت او را در فشار بیشتر به جمهوری اسلامی جلب کند به "پیمان نوین" برای اتحاد نیروهای "دموکراسی خواه" روی آورده است.

با این وجود باید اینها را جدی گرفت و در مقابل آن صف آرایی کرد و جامعه را از اهداف شوم آنها آگاه کرد. واقعیت این است که جامعه ایران در آستانه تحولات جدی است. اقتصاد ایران تماما به هم ریخته و زمین گیر شده است. بن بست سیاسی و فرهنگی و بحرانهایی فزاینده و انزوای بین المللی رژیم اسلامی را در آستانه فروپاشی قرار داده است. تورم و گرانی و بیکاری و فقر زندگی اکثریت مردم را به نابودی سوق داده است. جامعه ایران به نقطه ای رسیده است که همه باور دارند که شرایط غیر قابل تحمل است و جمهوری اسلامی نمیتواند جز به کار گرفتن زور و سرکوب این اوضاع را به کنترل خود درآورد که آنها در مقابل خشم و نفرت عمومی مردم دارد کارایی خود را از دست می دهد. تحولاتی دیگر و انفجارهای اجتماعی دیگری در راه است. "صدای انقلاب را همه شنیده اند". پیام نوین رضا پهلوی جواب به این شرایط برای کنترل اوضاع به نفع الترناتیو خود است، اگر شانس آنها را یاری دهد تا که خشم انقلابی مردم کارگر و زحمتکش جامعه را کنترل و مردم را به کم قانع کنند.

جامعه ایران دو حکومت پهلوی و اسلامی را تجربه کرده است. بخصوص نسل جدید با یک حکومت فاشیست اسلامی سرمایه روبرو بوده که هست و نیستشان را بر باد داده است. توقع این نسل از زندگی و برابری و رفاه بسیار بالاست و سخت است که این نسل را چه جوانش، چه دانشجویش و چه کارگر و زنش را گول زد و به کم قانع کرد. روی آوری رضا پهلوی و همه طیفهای بورژوازی پرو غرب،





تفکر و باوری دارد که هرچقدر هم تلاش مینماید با استفاده از عباراتی دهان پر کن اما بی محتوا و متناقض آن را مخفی سازد، اما ناموفق است و در واقع چهره وارث سلطنت موروثی و مناسبات شاه و رعیت به زشتی هویدا است. عباراتی نظیر "حکومت مردم بر مردم"، "حذف ساختار هرمی قدرت"، "قدرت از آن یک نفر یا یک گروه نیست" و دادن اطمینان خاطر به شرکا که "من شاه نمیشوم"، نمیتواند از شاهزاده سرگردان تصویری دیگر بدهد.

وی در ادامه جمهوری اسلامی را نماد انحصار انباشت ثروت و قدرت در دست گروهی خاص می نامد و انگار فراموش نموده که در دوران رژیم سابق که او وارث و وامدار آن است نیز به همینگونه بود. و جالب توجه اینکه هیچ جای این مونولوگ یک کلمه در مورد ارتجاع مذهبی سخنی نمی گوید. معامله با آخوند همان سکولاریسم نیم بند ادعائی ایشان را نیز بایگانی کرده است. اما در این میان وی حساب خود را بروشنی از طبقه کارگر و مردم زحمتکش ایران سوا و اعلام می کند مخاطب وی "نیروهای سیاسی دمکراسی خواه" است که این تعریف مشخصی از طیفی از جناح راست اپوزیسیون ایران است که سابقه و عملکردشان بسیار واضح در جهت ضدیت با منافع طبقات تحت ستم و محروم است.

اما باز هم بمانند سالهای گذشته، سعی نموده که با مخاطب قرار دادن ارتش و سپاه برای یارگیری از میان این نیروها تلاش میکند. زیرا در چهارچوب فکری رضا پهلوی می بایست نیرویی قهریه و پشتیبان جهت تحمیل سیستم حکومتی وجود داشته باشد. در نهایت آنچه که از نظر او ملاک یک زندگی خوب است نهادهای بین المللی نظام سرمایه داری است که اصل را بر تضمین حقوق مالکیت خصوصی می دانند. همانگونه در ابتدا اشاره کردم بدلیل اشتراک منافع و اهداف است که عده ای از جریانات دست ساز و فدرالیست همراه با ژورنالیست ها و رسانه های از کاه کوه درست کن از سخنان و طرح کهنه رضا پهلوی ذوق زده شدند. اینها جملگی منفعت خود را خوب بو می کشند.

این پروژه به جامعه ایران کمترین ربطی ندارد و به یک عدم شناخت از آن جامعه و خواستها و تمایلات آن متکی است. امروزه آگاهی طبقاتی کارگر و آگاهی عمومی مردم آنقدر بالا رفته که یکبار دیگر از یک سوراخ گزیده نشوند و زیر بیرق آخوند و شاه نروند. رویدادهای دی ۹۶ و آبان ۹۸ نشان داد مردم محروم و بویژه طبقه کارگر توقعات و دنیایشان با اپوزیسیون راست آسمان تا زمین فرق دارد. اعتصابات شکوهمند کارگران در صنایع کلیدی ایران دستکم در دوره اخیر نشان میدهد که حداقل خواستهای اکثریت عظیم مردم ایران رفاه و آزادی است که اینها با گروه خون جریانات راست ایران بیگانه است. ایران آستن یک تحول عمیق و حتی یک انقلاب اجتماعی است. این تحول و انقلاب را کسانی نمایندگی میکنند که نه تربیون رسانه های بین المللی را در اختیار دارند و نه بی بی سی و صدای آمریکا و ایران اینترنشنال را و نه امکانات مالی خانواده پهلوی و حامیانش را. آنها تنها تربیون شان سکو و چهارپایه در مجمع همکارانشان است، اما جوهره حرف و تیزی سیاسی افکارشان در اعماق جامعه ایران و حتی بیرون کشور معرفه و منعکس است.

## پیمان کهنه با زورق نوین

### وریا روشنفکر

رضا پهلوی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰ در یک مونولوگ پانزده دقیقه ای، باز هم چون دفعات گذشته و تکراری و البته اینبار آغشته به توهم "نجات دهنده"، خطاب به مردم ایران مطالبی ایراد کرد. قبل از پرداختن به محتوای سخنان رضا پهلوی ابتدا این پرسش مطرح است که چرا در این زمان؟

البته خود رضا پهلوی سعی کرده شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی امروز ایران را دلیل انتخاب این زمان برای ارائه صحبت‌هایش جلوه دهد. اما واقعیت این است که اپوزیسیون بورژوائی و راست بطور اعم و جریان و تفکر سلطنت خواهی بطور اخص، همواره و در طول تاریخ سیاسی خود با کمک قدرتهای جهانی به تاج و تخت رسیدند و اساسا مجری سیاستهای آنها بوده اند. حال شروع مناظرات مرحله نهایی کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا و محاسبات مختلف و عمدتا نادرست روی نتایج آن در قبال جمهوری اسلامی، شاید مهمترین دلیل انتخاب زمان این مونولوگ تلویزیونی برای رضا پهلوی باشد. مخاطب اصلی رضا پهلوی قطعا نه مردم ایران است که ۴۱ سال پیش سیستم پادشاهی را سرنگون کردند (بماند که انقلاب ۵۷ ایران به وسیله همان قدرتهای جهانی با تحمیل خمینی و ارتجاع مذهبی و با سرکوب خونین به ضد انقلاب اسلامی تبدیل گشت)، بلکه هیئت حاکمه آتی آمریکاست که رضا پهلوی نگران است مبادا فراموش شود و این ولیعهد مادام العمر و ناکام؛ آرزو به دل جهت جلوس بر تخت پادشاهی ایران بماند. در این میان مضحک تر از بیان این مکررات از جانب رضا پهلوی، دست و پا شکستن رنگین کمان ناسیونالیستهای متفرقه مانند مهندی و شورای گذار است که اختیار از کف داده و لیبیک گویان به رضا پهلوی ذوق زده شده اند.

رضا پهلوی در شروع صحبتش البته به درست از خفقان و فقر و استبداد و فلاکت بعنوان ثمره جمهوری اسلامی میگوید. اما باید پرسید که ثمره حکومت پنجاه و چند ساله پدر و پدربزرگ او برای مردم ایران چه بود؟ وی چنان از "جهنم امروز" ایران میگوید که گویی "دیروز" دوران پهلوی، ایران "بهشت" بود! انگار فراموش کرده هزاران انسان آزاده در زندانهای پهلوی و ساواک شکنجه و اعدام شدند و در واقع بذر حکومت مذهبی و اسلامی در دوران سیاه و خفقان سلطنت پدرش پاشیده شد. وی سپس اشاره میکند که حکومت جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست! یعنی تا به امروز برای وی امید به کنار آمدن و سهیم شدن با جمهوری اسلامی در چپاول مردم و بقول آنها "اصلاح" وجود داشته است! همانگونه که یک زمانی به رفسنجانی و خاتمی پیغام دوستی فرستاد. وی سپس با ژستی بزرگوارانه اعلام می کند که هدفش از ارائه این طرح رسیدن به قدرت خودش نیست. طوری میگوید که شاه شدن را گویی فرض ثابت و حق خود میداند و دارد در این لحظه از خود گذشتگی نشان میدهد! استفاده از واژه "من" در جای جای این پیغام ۱۵ دقیقه ای نشان از

## دولت را موظف کنیم:

- **بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!**
- **بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!**
- **کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفی با کاهش ساعات کار باشد!**
- **حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!**
- **هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!**
- **نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!**
- **کودکان کار، زباله گردها، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!**
- **وسایل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!**
- **پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!**
- **کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

## "پیمان نوین" رضا پهلوی ...

بگیرند. جامعه ایران نشان داده است که از چنین ظرفیتی برخوردار است که تحولات پیش رو را به این سمت هدایت کند. طبقه کارگر، رهبران و فعالین سوسیالیست کارگری، جوانان انقلابی، جنبش آزادیخواهی زن بخصوص طی سه سال گذشته نشان داده اند که از چنین رادیکالیسمی برخوردار هستند که دیگر زیر بار آلترناتیوهای بورژوازی نروند.

سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و انهدام دستگاههای سرکوب دولتی بورژوازی و تغییرات بنیادی در جامعه، تنها راه مطمئن برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی و همه تبعیض و نابرابری و ستم طبقاتی است. حاکمیت شورایی و برقراری یک جامعه سوسیالیستی تنها راه رسیدن به آزادی، برابری و رفاه اقتصادی است. نه به آلترناتیوهای بورژوازی، زنده باد حکومت کارگری و شورایی!

۱ اکتبر ۲۰۲۰

## پیمان کهنه با زورق نوین ...

"پیمان نوین" شما خیلی هم کهنه و ارتجاعی است. کارگران به نظم نوین سوسیالیستی و شورائی نظر دارند، به برابری در جامعه و اقتصاد، به الغای سرمایه داری. هرچه که دنده عقب می گیرد و گذشته را بازسازی می کند برای تحمیل خود باید تمایلات واقعی جامعه را در هم بکوبد. رضا پهلوی یا غیر فرق ندارد، سرمایه داری و نیازهای آن این را حکم می کند. \*

۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"

منصور حکمت



خیزشهای وسیع در آبانماه ۹۸ و تشدید جدال باندهای حکومتی سرنگونی حاکمیت اسلامی را برایشان ملموس تر از هر زمان کرده است. این اوضاع بهم ریخته و ناپسامان جمهوری اسلامی و سوسه طیف وسیعی از جریانات مهجور و ضد جامعه را برای عرض اندام را برانگیخته است. در این اوضاع به

صحنه آوردن قومپرستان آذربایجانی به بهانه جنگ در قره باغ شاید بتواند اهرمی برای به تاخیر انداختن اعتراضات توده ای برای به زیر کشیدنش باشد.

چهارشنبه ۹ مهرماه حکومت اسلامی امامان جمعه خود را به کمک گرفت که برای تحرک ناسیونالیست های آذربایجانی زمینه را فراهم آورد. بیانیه مشترک نمایندگان ولی فقیه در استانهای آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان در خصوص حمایت از تحولات قره باغ عملا فراخوان برای به میدان آوردن این نیروی ضد جامعه بود. کنخدهای "حرکت ملی آذربایجان" با لیبیک گویی به ارتجاع اسلامی بلندگوهای نفرت پراکنی خود را براه انداختند و روز پنجشنبه حرکتی در تهران توسط اوباش اسلامی و نیروهای پان ترکیست و قومپرست در تبریز و ارومیه به صحنه آورده شد.

فیلمهای منتشره از تظاهرات تبریز، زنجان و مشکین شهر به بهانه حمایت از آذربایجان در جنگ ارتجاعی قره باغ شدیداً بوی تعفن مذهب و ناسیونالیسم داشت و نفرت پراکنی قومی و عقیماندگی این نیروی ضد جامعه را به نمایش گذاشت. تردستی حکومت در رقصاندن این نیروی ضد جامعه با پتانسیل مخربی که می تواند داشته باشد هشدار بر هر فرد آزادیخواه، برابری طلب و مسئول در قبال جامعه است. این قومپرستان خود از جنس حاکمیت اسلامی هستند. مردم در آذربایجان برای اعتراض به یک جنگ ارتجاعی نیازی به "هویت طلبان" و قومپرستان ندارند.

۱ اکتبر ۲۰۲۰

## تحرک ارتجاع اسلامی و قومپرستان بر متن یک کشمکش ارتجاعی در قفقاز!

کریم نوری

بعد از فرو پاشی شوروی تحرک ناسیونالیسم ترک و ارمنی و پا گرفتن تشکلات فاشیستی در هر دو سوی این مناقشه، انسانهایی را که سالیان دراز در کنار همدیگر زندگی می کردند به مسلخ یک جنگ ارتجاعی برد. در ارمنستان بیش از پنجاه گروه سیاسی و بخشا نیروهای با گرایش شدیداً فاشیستی توسط دول غرب پا گرفت و از طرفی حکومت اسلامی "اداره مسلمانان قفقاز" را سازماندهی کرد. این نیروهای تازه به قدرت رسیده سیاست پاکسازی قومی را در منطقه براه انداختند. در اوایل دهه نود جنگی که بر زمینه پاکسازی قومی جنایات سومقاییت، گنجه، باکو و خوجالی را آفرید با آتش بسی به تعلیق درآمد. تاکنون بیش از سی و پنج هزار کشته و بیش از هشت صد هزار نفر از خانه و محل زیست خود آواره شده اند.

مناقشه ارضی و ادعای مالکیت بر ناگورنیقارباغ بار دیگر جنگ ارتجاعی را بر منطقه تحمیل کرده است. علیرغم زمینه های تاریخی این تنش در منطقه قفقاز آنچه مهم است پرداختن به تحركات سیاسی است که با شعله ور شدن این جنگ ارتجاعی در منطقه به جلو صحنه رانده می شود. دولت علی اف که زیر فشار نیروهای ارتجاعی اسلامی که خود را آپوزیسیون تعریف می کنند قرار دارد، برای کاهش این فشار سیاست دفاع از "مام میهن" را در دستور خود گذاشته است. از طرفی ناسیونالیسم در ارمنستان یک رکن اساسی برای ورود به حوزه حکومتی است. حکومت اسلامی یکی از آتش بیاران این کشمکش است که با دامن زدن به نفرت پراکنی قومی در ایران اهداف ویژه ای را در دستور خود دارد.

بر کسی پوشیده نیست که بحران عمیق و همه جانبه حکومت اسلامی جامعه را در آستانه یک انفجار سیاسی زیر و رو کننده قرار داده است.

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونست

زنده باد سوسیالیسم!